

بررسی پیش‌گویی قرآن بر اساس قرائات گوناگون آیات ابتدایی سوره روم

soltani@qabas.net

اسماعیل سلطانی بیرامی / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

محمد امیدیان / دانش‌آموخته حوزه علمیه قم

دریافت: ۱۳۹۵/۵/۵ - پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۱۸

چکیده

از جمله وجوه اعجاز قرآن، پیش‌گویی‌های تاریخی آن است. آیات ابتدایی سوره روم از معروف‌ترین پیش‌گویی‌های قرآن کریم است. با این حال، این آیات بر اساس قول مشهور، قول غیرمشهور و روایت کتاب الکافی، دارای سه نوع قرائت است که مبتنی بر هر کدام از آنها، تفسیر آیات نیز تغییر می‌کند. این مقاله به روش «توصیفی و تحلیلی» به ارزیابی تاریخی این پیش‌گویی پرداخته و راه‌کارهای جمع بین این تفاسیر را تعیین کرده است نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد اشکالاتی که بر تفسیر مشهور گرفته شده از اعتبار کافی برخوردار نیست. همچنین در صورت حل اشکالات وارد بر توجیه تأویلی بودن روایت کتاب الکافی، می‌توان بین تفسیر مشهور به عنوان ظاهر آیه و این روایت و تفسیر غیرمشهور به عنوان تأویل آیه جمع بست. در نهایت، حتی در فرضی که این سه دسته تفسیر با همدیگر قابل جمع نباشد، هر یک متضمن یک پیش‌گویی است که به وقوع پیوسته و خود دلیل قاطعی بر اثبات اعجاز قرآن است.

کلیدواژه‌ها: اعجاز قرآن، پیش‌گویی، سوره روم، اختلاف قرائات.

اعجاز قرآن یکی از مسائل مهم علوم قرآنی است که از دیرباز مطمح نظر قرآن‌پژوهان قرار گرفته است. این بحث از آن رو اهمیت ویژه دارد که محکم‌ترین دلیل اثبات نبوت نبی اکرم ﷺ محسوب می‌شود. اما با تخصصی کوتاه در میان منابع مرتبط با این بحث، گاه احساس می‌شود که به این مسئله به شکل علمی و جدی، آن‌گونه که به گزاره‌های فقهی پرداخته می‌شود، کمتر توجه شده و بیشتر گفته‌های دیگران و حتی گاهی سخنان عامه‌پسند نقل گردیده است.

از جمله جنبه‌های اعجاز قرآن کریم، اخبار غیبی آن است. امیرمؤمنان علیؑ در خطبه ۱۵۸ *نهج البلاغه* می‌فرماید: «آگاه باشید که در آن، اخبار آینده و گذشته و داروی درد شما و نظم و نظام شماست».

گزاره‌های غیبی قرآن به دو قسم اخبار علمی تجربی (اعجاز علمی) و اخبار غیرعلمی تقسیم می‌شود. قسم دوم، خود به دو قسم خبر از گذشته و آینده قابل تقسیم است. خبرهای غیبی از آینده، یا محقق شده‌اند؛ مانند بازگشت پیروزمندانه به مکه، ورود به مسجدالحرام، وجود نسل فراوان برای حضرت زهراؑ، و یا محقق نشده‌اند؛ مانند خلافت حضرت مهدی موعودؑ و خبرهای غیبی از قیامت.

از آن‌رو که اولاً، اخبار غیبی که تاکنون محقق شده مطابق با واقع بوده و ثانیاً، مطابقت اخبار یادشده با واقع، نشانگر ارتباط آورنده آن با ماورای طبیعت است، این نتیجه به دست می‌آید که خبرهای غیبی نشانگر وحی و نبوت آورنده آن (پیامبر اکرم ﷺ) و یکی از وجوه اعجاز قرآن کریم است. یکی از پیش‌گویی‌های قرآن آیات ابتدایی سوره روم است که در آن، به صراحت خبر از وقوع حادثه‌ای در آینده‌ای نزدیک (بین سه تا ۹ سال) می‌دهد که شادی مؤمنان را در پی خواهد داشت.

بنا به تفسیرقرائت مشهور، آیات ابتدایی این سوره در ارتباط با جنگ ایران و روم است و طبق آن، روم از ایرانیان شکست خورده، در مدت زمان معینی ایرانیان مغلوب روم می‌شوند. با وجود این، برخی اعتقاد دارند: این تفسیر دچار اشکالاتی است که اعتبار آن را زیر سؤال می‌برد.

در مقابل قرائت مشهور، قرائت غیرمشهوری وجود دارد که فعل «غلبت» معلوم و فعل «سیغلبون» مجهول قرائت می‌شود. طبق این قرائت، روم غالب است، اما در مدتی کمتر از ۱۰ سال، از مسلمانان شکست خواهد خورد.

همچنین قرائت سومی وجود دارد که در روایتی منقول از امام باقر^ع، هر دو فعل «غلبت» و «سیغلبون» مجهول قرائت شده‌اند. طبق این قرائت، ابتدا رومیان از ایرانیان شکست می‌خورند و در نهایت، ایرانیان از مسلمین شکست خواهند خورد.

هدف اصلی از این پژوهش بررسی پیش‌گویی قرآن مبتنی بر قرائات گوناگون از آیات ابتدایی سوره روم است.

بحث از پیش‌گویی سوره روم از این نظر دارای اهمیت است که می‌توان از این رهگذر، به تبیین اعجاز غیبی قرآن پرداخت و نیز به برخی شبهات در پیش‌گویی یاد شده پاسخ داد و اعجاز غیبی سوره روم را ثابت نمود. باتوجه به وجود اختلاف قرائات، مقاله حاضر می‌کوشد با استفاده از روش «توصیفی - تحلیلی»، اشکالات وارد بر تفسیر مشهور را پاسخ مناسب دهد و نقاط ضعف و قوت تفسیر غیرمشهور را نشان دهد و نیز تفسیر مبتنی بر روایت کافی را تبیین نموده، وجه جمع آن را با قرائت مشهور تبیین کند.

در کتاب‌های تفسیر و علوم قرآن، از پیش‌گویی قرآن در آیه یاد شده، به اجمال سخن به میان آمده و در میان مقالات، تنها دو مقاله با عنوان «تفسیر قرائتی دیگر از آیات اول سوره روم» و «پیش‌گویی‌ها و خبرهای غیبی در قرآن» یافت شد که موضوع قرائت شاذ آیات اول سوره روم را ذکر کرده‌اند، ولی اثری که به صورت مستقل به همه قرائات این آیات و وجه جمع آن پرداخته باشد، مشاهده نشد.

قرائت مشهور

آیات ابتدایی سوره روم مطابق قرائت مشهور چنین است:

الم غَلَبَتِ الرُّومُ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلَبُونَ فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدِهِ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ

لفظ «بضع» به معنای بخشی از زمان است. البته در مقدار آن، اختلاف شده است؛ برخی آن را عددی میان ۵ تا ۱۰ و برخی قرآن‌پژوهان آن را عددی بین ۳ تا ۱۰ دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۶۷۰)؛ چنان‌که در حدیثی از پیامبر^ص وارد شده است: «فکل ما دون العشر بضع» (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵ ص ۱۵۱).

مقصود از «الارض» با توجه به الف و لام عهد، سرزمین حجاز و ترکیب «فِي أَدْنَى الْأَرْضِ» (نزدیکترین سرزمین) به سرزمین حجاز است؛ به این معنا که روم در نزدیک‌ترین سرزمین به

حجاز، شکست خورد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۵۵). برخی آن سرزمین را اطراف سرزمین شام بین بصره و اذرعات دانسته‌اند (ابن‌عاشور، بی تا، ج ۲۱، ص ۹). در عین حال، برخی اعتقاد دارند که مراد از «ادنی الارض» نزدیک‌ترین سرزمین از منطقه شام نسبت به فارس است (طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۲۲۸).

مراد از ضمیر «هم» در عبارت «وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ فِي بَضْعِ سِنِينَ» و همچنین ضمیر «او» در فعل «سیغلبون»، رومیان هستند. درباره مرجع ضمیر هم در عبارت «غلبهم» دو قول وجود دارد. برخی معتقدند: این ضمیر به ایرانیان برمی‌گردد؛ یعنی غلبه ایرانیان بر رومیان، و برخی نیز مرجع آن را همچون دیگر ضمایر این آیه، رومیان دانسته‌اند که در این صورت، از باب اضافه مصدر به مفعول خواهد بود؛ یعنی مغلوب شدن رومیان. در هر دو حال، معنا چنین خواهد بود که روم پس از مغلوب شدنش به زودی غالب خواهد شد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۵۵). منظور از عبارت «یومئذ یفرح المؤمنون» زمانی است که رومیان بر ایرانیان غلبه پیدا کردند.

آنچه از این آیات و فارغ از روایات و شواهد خارجی فهمیده می‌شود این است:
اولاً، این آیات درباره جنگی نازل شده که یک طرف آن رومیان هستند.

ثانیاً، این خبر موجب ناراحتی مسلمانان شده است؛ زیرا فرح مؤمنین را منوط به واقع شدن پیش‌گویی در آیه سوم ساخته است.

ثالثاً، این مغلوبیت چنان مهم و بزرگ بوده که در شبه جزیره عرب شهرت یافته و از این‌رو، حتماً قدر متیقنی در مقام تخاطب وجود داشته که آیه به آن اشاره دارد.

رابعاً، حرف سین در فعل «سیغلبون» نشان می‌دهد که قرآن نسبت به این واقعه، دست به یک پیش‌گویی زده است.

خامساً، مفاد این پیش‌گویی آن است که در مدت زمانی معین، به وقوع خواهد پیوست.

۱. شأن نزول آیه

زهری می‌گوید: مشرکان و بت پرستان مکه با مسلمانان جدال کرده، می‌گفتند: دیدید ملت روم اهل کتاب بودند و آیین آسمانی (مسیحیت) داشتند و ملت فارس بر آنان پیروز شدند! اکنون شما مسلمانان، که خود را اهل کتاب (قرآن) می‌دانید که بر پیامبر شما نازل شده، به زودی ما بت پرستان مکه بر شما پیروز خواهیم شد؛ همان‌گونه که سپاه فارس بر سپاه روم پیروز شدند. در این وقت،

خداوند آیات «الم غَلَبَتِ الرُّومُ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ» را نازل فرمود (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۶۶۲).

بررسی شأن نزول: درباره شأن نزول این آیات، روایات متعددی عمدتاً از جانب اهل سنت وارد شده است:

سیوطی روایتی از احمد، ترمذی، نسائی، ابن منذر، ابن ابی حاتم، طبرانی، حاکم، ابن مردویه، بیهقی، و ضیاء از ابن عباس روایت نقل می‌کند (با این توضیح که روایت یاد شده را ترمزی، حسن و حاکم صحیح شمرده‌اند) که درباره «الم غَلَبَتِ الرُّومُ» گفت: «غَلَبَتْ» و «غَلَبَتْ»، و ادامه داد: مشرکان دوست داشتند فارس بر روم غلبه کند؛ زیرا فارس‌ها نیز مانند ایشان دارای بت بودند؛ ولی مسلمانان دلشان می‌خواست که روم بر فارس غلبه کند؛ زیرا رومیان اهل کتاب بودند. ماجرا به گوش ابوبکر رسید، و او این خبر را به رسول خدا ﷺ عرضه داشت. رسول خدا ﷺ به وی فرمود: آگاه باشید که ایشان به زودی غلبه می‌کنند. ابوبکر پاسخ آن جناب را به آنها رسانید. مشرکان گفتند: مدتی برای این پیشگویی مقرر کن. اگر در این مدت فارسیان غلبه کردند، شما فلان مقدار به ما بدهید، و اگر رومیان غلبه کردند ما فلان مقدار می‌دهیم. ابوبکر مدت پنج سال معین کرد، و در این مدت، امپراتوری روم بر دیگری غلبه نکرد. ابوبکر موضوع را به عرض رسول خدا ﷺ رسانید، حضرت فرمودند: چرا کمتر از ده سال معین نکردی؟ آن‌گاه چیزی نگذشت که روم بر فارس غلبه کرد، و در این باره، آیه شریفه قرآن می‌فرماید: «الم غَلَبَتِ الرُّومُ»، پس رومیان هم مغلوب شدند، و هم غلبه کردند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۵۰).

سیوطی پس از این روایت، روایات دیگری را از ابن مسعود، براء بن عازب، یسار بن مكرم سلمی و ابن شهاب ذکر کرده و همین داستان را با اختلافاتی آورده است که هر یک به جزئیاتی اشاره دارند (همان، ص ۱۵۱).

علامه طباطبایی در جمع‌بندی روایات می‌نویسد: در روایات یادشده، تناقض دیده می‌شود؛ در بعضی روایات آمده که شرط‌بندی میان ابوبکر و ابی بن خلف بوده، و در برخی دیگر آمده که میان مسلمانان و مشرکان بوده است و ابوبکر از طرف مسلمانان و ابی از طرف مشرکان در این شرط‌بندی شرکت داشتند. درباره مدت این شرط‌بندی نیز میان سه الی هفت سال اختلاف مشاهده می‌شود... در بعضی روایات آمده است غلبه روم در روز جنگ بدر اتفاق افتاد و در بعضی دیگر آمده است که در روز حدیبیه واقع شد... آنچه همه روایات بر آن اتفاق نظر دارند این است که ابوبکر با مشرکان شرط

بست و شرط را برد، و این شرط‌بندی و قمار به اشارهٔ رسول خدا ﷺ بوده، بعد توجیه کرده‌اند که این جریان قبل از نزول حرمت قمار بوده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۲۴۵).

با این حال، در این بین، به روایاتی نیز برمی‌خوریم که در آنها ذکری از شرط‌بندی نشده است. برای مثال، در *الدر المثور* آمده است: گویند: از *ابوسعید خدری* از این آیه پرسیدم، او گفت: ما با رسول خدا با مشرکان عرب می‌جنگیدیم و رومیان نیز با فارس می‌جنگیدند. پس خداوند ما را بر مشرکان عرب یاری داد و اهل کتاب را بر مجوس. پس ما خوشحال شدیم به خاطر نصرت خدا بر ما علیه مشرکان و بر اهل کتاب علیه مجوس، و به این خاطر است قول خداوند که فرمود: «و یومئذ یفرح المؤمنون» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۵۱).

مرحوم طبرسی نیز می‌نویسد: «*ابوعبدالله حافظ* به اسناد خود، از *ابن عباس* در تفسیر آیهٔ شریفه «الم غُلِبَتِ الرُّومُ» روایت کرده است که سپاه فارس با رومیان به جنگ پرداخته و پیروز شد و پس از چند سال رومیان بر آنان پیروز گردیدند و آنان را از سرزمین خود بیرون کردند و در همان هنگام بود که پیامبر ﷺ و مسلمانان با سپاه مشرکان مکه مواجه بوده و - جنگ سختی بین آنان در گرفته بود - اما خداوند سپاه اسلام را بر بت‌پرستان مکه پیروز ساخت؛ همان‌گونه که سپاه اهل کتاب روم را بر فارسیان - که در آن وقت آتش‌پرست بودند - غالب گردانید. و با این پیروزی، رومیان و سپاه اسلام مسرور گشتند.

سفیان ثوری می‌گوید: شنیدم که پیروزی رومیان در روز جنگ بدر بود و مقاتل نقل کرده است که در جنگ بدر، چون مسلمانان بر لشکر بت‌پرستان مکه غالب شدند، همان وقت خبر رسید که رومیان هم بر سپاه فارس غالب شدند. و روایت شده است که رومیان بیت المقدس را پس گرفتند و به شکرانهٔ این پیروزی، پادشاه روم پیاده به زیارت بیت المقدس رفت سر راه او را با گل و ریحان فرش کردند و روی گل‌ها حرکت نمود (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۴۶۲).

۲. بررسی تفسیر مشهور از نظر مفسران متقدم

تفسیر مذکور از دیرباز و در قدیمی‌ترین تفاسیر پذیرفته شده است. کهن‌ترین تفسیر کامل قرآن تفسیر *مقاتل بن سلیمان* مربوط به قرن دوم هجری است. وی در تفسیرش، از این قرائت و شأن نزول دفاع کرده است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۴۰۶). از جمله مفسران و مورخان دیگری که تفسیر مشهور را پذیرفته‌اند، می‌توان از افراد ذیل یاد کرد:

فراء ابوزکریا، متوفای قرن دوم، صاحب تفسیر معانی القرآن (فرا ابوزکریا، بی تا، ج ۲، ص ۳۱۹)، سمرقندی، متوفای قرن چهارم، صاحب تفسیر بحر العلوم (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳)، شیخ مفید، متوفای ۴۱۳ در الارشاد (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۱۳)، طبری آملی، متوفای قرن پنجم، صاحب کتاب نوادر المعجزات، که نه تنها قرائت مشهور و روایات مربوط به شرط بندی ابوبکر را پذیرفته، بلکه آن روایات را دلیل بر رد ابوبکر می‌داند (طبری آملی، ۱۴۲۷ق، ص ۳۰)، و شیخ طوسی، متوفای قرن پنجم، در التبیان به این تفسیر اذعان کرده و حتی قول به قرائت دیگر را به خاطر مخالفت با قول جمیع مفسران غلط دانسته‌اند (طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۲۲۸).

از الزامات پذیرش این تفسیر، پذیرش مکی بودن این آیات است که با نظر جمهور مفسران مبنی بر مکی بودن سوره روم هماهنگ است.

۳. تطبیق تاریخی

نبردهای ایران و روم سابقه‌ای طولانی داشته است. ظهور پیامبر اکرم ﷺ مقارن با پادشاهی خسرو پرویز بر ایران بود. در سال ۶۰۳ میلادی، مریسیوس، امپراتور روم، که با خسرو روابط دوستانه داشت، به دست یکی از سرداران رومی به نام فکاس کشته شد و خود به جای او نشست. خسرو این امر را بهانه ساخت و به خون‌خواهی مریسیوس با قاتل او از در جنگ در آمد (۶۰۴ میلادی). جنگ‌های این دوره به مدت ۲۴ سال ادامه یافت. در آغاز، خسرو به بین‌النهرین حمله برد و شهرهای «دارا» و «آمدوادم» و «حزان» را گرفت و بر سوریه تاخت و تا حدود بیروت پیش رفت. دسته‌ای دیگر از سپاه او قسمت بزرگی از آسیا را به تصرف آوردند و به نزدیکی قسطنطنیه رسیدند (پرویز، ۱۳۴۳، ص ۲۱۲).

فکاس به دست هرقل (هراکلیوس) خلع شد، ولی جنگ به پایان نرسید (کریستن سن، ۱۳۶۸، ص ۵۸۳). سردار دیگر ایران، شاهین، نیز خود را به تنگه مصر رساند و هرقل ناچار درخواست صلح کرد. ولی خسرو درخواست او را نپذیرفت و سفیرش را به زندان افکند. دولت روم شرقی در این زمان نزدیک به انقراض بود؛ زیرا از یک سو، دولت ایران تمام متصرفات آسیایی آن را با مصر تسخیر کرده بود و از سوی دیگر، نیز قبایل آوار از جانب شمال بر آن دولت تاختند و به جانب قسطنطنیه پیش آمدند. هرقل نخست خزاین و نفایس سلطنتی روم را در کشتی‌ها نهاد و در صدد برآمد که به «قرطاحنه» (کارتاژ) بگریزد، ولی مردم با فرار او موافقت نکردند و دارایی‌های کلیساها را برای تهیه سپاه و مقاومت

در برابر شاه ایران در اختیار او نهادند (پرویز، ۱۳۴۳، ص ۲۱۳). اما با وجود پیروزی‌های ایران و در اوج ناامیدی و ناباوری، دولت روم تصمیم به مقابله با ساسانیان گرفت.

ادوارد گبین می‌نویسد:

هرقلی که توانش را از دست داده بود، در یک طراحی و برنامه‌ریزی بسیار شگفت‌آور پیروز شد. آمادگی‌های جنگی به تمام معنا در قسطنطنیه آغاز گردید. در سال ۶۲۲ میلادی، درست زمانی که هرقل همراه سپاهش از قسطنطنیه بیرون می‌رفت، شرایط به گونه‌ای به نظر می‌رسید که مردم فکر می‌کردند آخرین لشکر امپراتوری روم را می‌بینند. هرقل به خوبی می‌دانست که حکومت ایران از لحاظ نیروی دریایی بسیار ضعیف است. او ناوگان دریایی خود را آماده کرد تا از پشت حمله کند. از این رو، سپاه خود را از دریای سیاه عبور داد و آنها را در «آرمینیا» پیاده کرد و از آنجا به سپاه ایران حمله نمود که اسکندر به آنان حمله کرد و آنان را با شکست مواجه ساخت (خان، ۱۳۸۶، ص ۱۹۰).

عاقبت هراکلیوس (هرقل) موفق شد که از پیشرفت سپاه فاتح ایران جلوگیری کند. افواج شاهنشاه باز پس راند. آسیای صغیر و ارمنستان را فتح کرد و به آذربایجان درآمد و در ۶۲۳ شهر «کنزک» را تسخیر و آتشکده‌آذرگشتسب را ویران کرد (کریستن سن، ۱۳۶۸، ص ۵۸۴).

او سه حمله مهم علیه ایرانیان انجام داد. این سه یورش در سال‌های ۶۲۳، ۶۲۴ و ۶۲۵ میلادی از ساحل جنوبی دریای سیاه صورت گرفت و بدین سان، مهاجمان وارد قلمرو ایران شدند و تا عراق قدیم پیش رفتند. پس از آن قدرت حکومت ساسانی رو به کاستی نهاد و تمام مناطق روم از زیر سلطه سپاه ایران آزاد شد. از این رو، فرصت مناسب برای حمله به پایتخت ایران فرارسید. جنگ نهایی و سرنوشت‌ساز در نینوا در کنار رودخانه دجله در دسامبر ۶۲۷ میلادی در گرفت. خسرو پرویز توان مقاومت را از دست داد و خود را برای فرار از آسایشگاه محبوبش «دستگرد» آماده کرد. در همین اثنا، درگیری‌های داخلی دربار شروع شد و پسرش شیرویه، او را دستگیر کرد و در یک زیرزمین زندانی ساخت. خسرو پرویز بعد از گذشت پنج روز، در نهایت خواری و ذلت، در زیرزمین جان داد و هجده پسر دیگرش در جلوی چشمانش کشته شدند (خان، ۱۳۸۶، ص ۱۹۰). در نهایت، در سال ۶۲۸ میلادی هرقل کاخ سلطنتی را در دستگرد به تصرف در آورد (کریستن سن، ۱۳۶۸، ص ۵۸۴).

از آنچه گذشت، به روشنی می‌توان فهمید که مقابله حقیقی رومیان با ایرانیان از سال ۶۲۲ آغاز شده و پیش از آن، پیروز اصلی میدان‌های نبرد، ایرانیان بوده‌اند. از سوی دیگر، برای اینکه خبر پیروزی ایرانیان بتواند در شبه جزیره عربستان شایع شود و در پی آن آیه‌ای نازل شود که موضوع آن برای اعراب آشنا باشد، می‌بایست این پیروزی‌ها چشمگیر و قابل اعتنا باشد؛ مثل جنگی‌هایی

که در حد تصرف دمشق در سال ۶۱۴ میلادی یا بیت‌المقدس بوده باشد و یا مربوط به دوران اوج قدرت حکومت ایران یعنی ۶۱۵ میلادی باشد تا پخش شدن آوازه این پیروزی‌ها و قدرت ایران در عربستان توجیه‌پذیر باشد. اگر از این سال‌ها، یعنی ۶۱۴ تا ۶۲۱ - یعنی تا قبل از مقابله جدی رومیان با ایرانیان - مقدار ۹ سال را، که حداکثر معنای کلمه «بضع» است اضافه کنیم، باید دید آیا از سال ۶۲۳ تا ۶۲۹ جنگی چشمگیر میان روم و ایران که منجر به پیروزی رومیان شده باشد، رخ داده است یا خیر. از آنچه گفته شد، روشن می‌شود که از سال ۶۲۲ به بعد، یعنی تا پایان جنگ (۶۲۸ میلادی) پیروزی‌های پی در پی نصیب رومیان شده است که البته این امر قابل پیش‌بینی نبود؛ زیرا در دوره‌ای که رومیان شکست‌های پی در پی خورده بودند، امیدی به پیروزی آنها وجود نداشت و به گفته گبین، شرایط به گونه‌ای به نظر می‌رسید که مردم فکر می‌کردند آخرین لشکر امپراتوری روم را می‌بینند (خان، ۱۳۸۶، ص ۱۹۰).

گبین می‌گوید:

زمانی که این پیش‌گویی از زبان محمد ﷺ گفته شد، کمترین امکان تحقق آن از نظر اسباب ظاهری وجود نداشت و هیچ پیش‌گویی‌ای مانند این بدور از امکان نبود؛ زیرا دوازده سال آغازین حکومت هرقل از پایان و انقراض سلطنت روم خبر می‌داد (خان، ۱۳۸۶، ص ۱۸۸).

با توجه به اینکه این پیش‌گویی در زمان اوج قدرت ایرانیان بوده و به‌طور عادی قابل پیش‌بینی نبوده است، تطبیق تاریخی این پیش‌گویی به خوبی مشخص می‌شود.

۴. اشکالات وارد بر قرائت مشهور

با وجود نقاط مثبتی که برای قرائت مشهور وجود دارد (یعنی قبول جمهور مفسران بزرگ و تطابق با واقعیت‌های تاریخی) در عین حال، از جهاتی مورد انتقاد واقع شده است، به گونه‌ای که برخی از محققان را واداشته تا به قرائت غیر مشهور روی آورده و تفسیر دیگری برای این آیات برگزینند. از جمله اهم این اشکالات، می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره کرد:

۱. مضمون این اخبار با یگدیگر اختلاف فراوان دارد. برای مثال، *ابوبکر* پس از پذیرش شرط‌بندی سه یا پنج یا شش یا هفت سال را - بنا به اختلاف روایات - تعیین کرد و وقتی موضوع را به رسول خدا ﷺ خبر داد، حضرت فرمودند: هر عددی کمتر از ده باشد بضع است بنابراین مدت را تا ۹ سال افزایش بده. و در برخی روایات است که فرمودند: هم بر شمار شتران بیفزای و هم مدت را تا ۹ سال اضافه کن (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۵۰). در برخی روایات، این شرط‌بندی میان مسلمانان و

مشرکان بوده و ابوبکر نماینده مسلمانان و ابی بن خلف نماینده مشرکان بود. مطابق بعضی از روایات، شرط بندی میان دو گروه، و در برخی هم بین ابوبکر و مشرکان بوده است. در برخی روایات، پیروزی رومیان همزمان با پیروزی مسلمانان در بدر (سال دوم هجری)، و در برخی همزمان با بازگشت پیامبر ﷺ و مسلمانان از حدیبیه (سال هشتم) بوده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۶۳).

۲. مطابق خبر دیگر، خود پیغمبر اکرم ﷺ وارد شرط بندی شدند، درحالی که از سوی دیگر، بنا بر برخی روایات، خود پیامبر ﷺ حکم به باطل بودن آن کردند و فرمودند: «هَذَا السُّحْتُ تَصَدَّقَ بِهِ» (احمدی، ۱۳۷۷، ص ۲۸).

۳. با وجود رابطه تیره و تار میان مسلمانان و مشرکان، چگونه ابوبکر از آنها یکصد شتر ستاند و مشرکان خیلی خوش حساب بودند و بی درنگ، به عهد خود عمل کردند؟! (همان).

۴. در این روایات، ایرانیان بت پرست معرفی شده اند، درحالی که به گفته تاریخ نگاران، گرچه ایرانیان مشرک بودند، لیکن هیچ اثری از بت و بت پرستی در ایران وجود نداشته است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۶۴).

۵. اهل کتاب ندانستن محوس با سنت و شیوه پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم ﷺ سازگاری ندارد (احمدی، ۱۳۷۷، ص ۲۹).

۶. در وجه اینکه قمار به اشاره پیامبر ﷺ باشد، گفته اند: این کار پیش از تحریم قمار بوده که در سوره مائده (آخرین سوره نازل شده) آمده است، درحالی که خمر و قمار به نص آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ» (بقره: ۲۱۹) اثم و گناه شمرده شده بود و «اثم» به نص آیه ۳۳ اعراف، که سوره ای مکی است، حرام اعلام شده بود: «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ». از این رو، محال است که رسول خدا ﷺ به ابوبکر اشاره کرده باشند که با مشرکان قمار و شرط بندی کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۶۳).

۷. به فرض که در آن روز هنوز قمار حرام نشده بوده، این سخن پیامبر به ابوبکر که فرمودند: «این معامله سحت است؛ آن را صدقه بده» با هیچ یک از موازین فقهی سازگاری ندارد، و چرا مال به صاحب آن داده نشده است؟ (همان، ص ۱۶۴).

۸. در این آیات، «ادنی الارض» باید نسبت به سرزمین حجاز باشد که موضوع تخاطب قرار گرفته، درحالی که بر اساس گزاره های تاریخی، این پیروزی در «اذرعات شام» بوده که نه نزدیک ایران است و نه نزدیک حجاز (احمدی ۱۳۷۷، ص ۲۹).

۹. لحن آیه «بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ وَعَدَّ اللَّهُ لَأَخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۵ و ۶) با شأن نزول یاد شده سازگار نیست؛ زیرا این تعبیر فراخور جایی است که متکلم در برابر مخاطب تعهدی داشته و قولی داده، نه آنجا که دو گروه برای کشورگشایی به جان هم افتاده باشند (همان، ص ۳۰).

۱۰. در طول تاریخ، جنگ‌های زیادی بین ایران و روم صورت گرفته و پیروزی‌ها و شکست‌های فراوانی برای طرفین ثبت گردیده است. در این صورت، این پیش‌گویی امری عجیب نخواهد بود.

۵. بررسی اشکالات وارد بر قرائت مشهور

چنان‌که مشاهده شد، اشکال ۱ تا ۷ مربوط به روایاتی است که بر شرط‌بندی/بویکر با مشرکان مکه دلالت داشت. اشکالات یاد شده بر این دسته از اخبار، وارد هستند، اما رد این اخبار هیچ تلازمی با رد تفسیر مشهور ندارد؛ همچنان‌که علامه طباطبایی نیز این اخبار را رد کرده، ولی تعرضی به تفسیر مشهور ننموده است؛ زیرا اولاً، روایات منحصر در شرط‌بندی/بویکر نیست. ثانیاً، پذیرش این تفسیر از همان قرن دوم، آن هم بدون اشاره به تفسیری دیگر - دست‌کم - اطمینان به تفسیر و قرائت مشهور را بیشتر می‌کند. وانگهی، در این آیات، به صراحت ادعای پیش‌گویی شده و قاعدتاً این آیات اشاره به یک واقعیت خارجی داشته است. با این اوصاف، بعید به نظر می‌رسد مسلمانانی که به شدت به حفظ و حراست و دفاع از قرآن اهتمام داشته‌اند درباره مسئله‌ای به این مهمی، که خود گواه اعجاز قرآن است، سهل‌انگاری کرده، هیچ مطلب یا شأن نزول دیگری را حفظ نکرده باشند.

اشکال هشتم مبنی بر «ادنی» بودن نسبت به سرزمین قوم موضوع تخاطب، اشکال واردی نیست؛ زیرا - چنان‌که پیش از این گفته شد - مقصود از «ارض» سرزمین حجاز است و نزدیک‌ترین بلاد نسبت به حجاز در آن عصر، که روم در آن مغلوب شد، سرزمین شام بود که تحت حاکمیت روم اداره می‌گردید.

علاوه بر این، می‌توان گفت: اذرع‌ترین نزدیک‌ترین موضع نسبت به ایران قدیم بوده است؛ زیرا عراق در آن دوره، جزئی از ایران بوده است. در نتیجه، هم به سرزمین ایران و هم به حجاز نزدیک است، ضمن آنکه نزدیک بودن هم مفهومی نسبی است.

در اشکال نهم، مستشکل وعده یاری رساندن خداوند به رومیان و پیروزی بر ایران را با اغراض دولت روم، که قصد کشورگشایی داشته است، چندان هماهنگ نمی‌بیند. درباره این اشکال، باید در نظر داشت که اولاً، این آیه هیچ دلالت صریحی بر وعده یاری به رومیان ندارد و مراد از وعده نصرتی که

در آیه ششم سوره روم به آن اشاره شده است، می‌تواند وعده‌ای باشد که مقارن پیروزی رومیان اتفاق افتاده؛ مثل جنگ بدر، و یا منظور آن باشد که با یاری رومیان، وعده الهی محقق شده است و در نتیجه، پیش‌گویی و اعجاز قرآن بر مشرکان ثابت می‌شود.

ثانیاً، بر فرض که مراد از وعده یاری، وعده کمک به رومیان باشد، این مسئله ربطی به تأیید دولت روم ندارد؛ زیرا بر اساس توحید افعالی، تمام پیروزی‌ها مستند به خداوند است و بدون عنایت خداوند، هیچ‌گونه شکست و پیروزی رخ نمی‌دهد. از این رو، جای تعجب نیست که وعده یاری به رومیان داده شده باشد.

درباره اشکال آخر نیز می‌توان گفت: اینکه بین ایرانیان و رومیان قرن‌ها جنگ وجود داشته، امر روشنی است؛ اما مسلم است که وقتی ما درباره این جنگ‌ها صحبت می‌کنیم، مرادمان تنها آن دوره از جنگ‌هاست که با بعثت پیغمبر اکرم ﷺ تقارن یافته و در آن دوران - آنچنان‌که گفته شد- پیروز میدان‌های نبرد برای سال‌های متمادی ایرانیان بودند و دولت روم متحمل هرج و مرج‌ها و شکست‌های پی در پی گشته بود. دقت کنیم که پیش‌گویی قرآن در فضایی صورت گرفته که هیچ احتمالی مبنی بر پیروزی رومیان وجود نداشته است. علاوه بر این، -آنچنان‌که گذشت- مراد از پیروزی، پیروزی‌های کوچک نیست، بلکه باید این پیروزی‌ها چنان بزرگ باشد که خبر آن تا شبه جزیره برسد و این پیروزی برای رومیان در آن شرایط قابل تصور نبود. علاوه بر آن، برای این پیروزی محدوده زمانی نیز مشخص شده است. بدین‌روی، نمی‌توان به بهانه وجود جنگ‌های مکرر بین ایران و روم، بر این تفسیر خدشه‌ای وارد آورد.

قرائت غیر مشهور

۱. بیان قرائت غیر مشهور و تفسیر متناسب با آن

در مقابل قرائت مشهور، قرائت غیر مشهوری هم وجود دارد که به لحاظ معلوم و مجهول بودن افعال، کاملاً عکس قرائت مشهور است.

بیضاوی در *انوار التنزیل* می‌نویسد: «غلبت» به فتح، یعنی به شکل معلومی و «سیغلبون» به ضم، یعنی به شکل مجهول خوانده شده است و معنای آن چنین می‌شود که روم در اراضی شام بر مسلمانان پیروز شد و مسلمانان در سال نهم، بعد از نزول این آیه، بر آنها غالب خواهند شد. بر این اساس، اضافه لفظ «غلبه» به فاعل خود خواهد بود (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۰۱).

این قرائت در برخی منابع، بدون سند و نام قاری، بلکه تنها با ذکر اینکه شاذ است آمده (البیلی، بی تا، ص ۲۴)، ولی در برخی منابع، آن را به حضرت علی علیه السلام، ابوسعید خدری، ابن عباس، ابن عمر، معاویه ابن قره و حسن نسبت داده‌اند (ایبازی، ۱۴۰۵ق، ج ۶، ص ۱۳۶).

بر اساس این قرائت، ایرانیان در مفاد این آیه هیچ نقشی ندارند، بلکه مراد از فعل «غلبت»، غلبه رومیان بر مسلمانان در جنگ موته در سال ۸ هـ بوده و مراد از فعل «سیغلبون»، غلبه مسلمانان بر رومیان در چند سال بعد از آن است که از اواخر خلافت ابوبکر آغاز می‌شود و با گشودن بیت المقدس در رجب سال ۱۶ هـ به اوج می‌رسد و در واقع، پیروزی نهایی مسلمانان بر رومیان تحقق می‌یابد (احمدی، ۱۳۷۷، ص ۶۱).

برای پذیرش این تفسیر، لازم می‌آید تا این سوره را مدنی بدانیم، نه مکی؛ زیرا جنگ موته پس از هجرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله واقع شده که البته مدنی بودن آن خلاف نظر جمهور مفسران است.

۲. شواهد مدنی بودن آیات

شواهد چندی مبنی بر مدنی بودن این سوره اقامه شده است که در ذیل به بیان و بررسی آن می‌پردازیم:

الف. مفسران مفاد سوره روم و عنکبوت را دارای پیوستگی معنوی می‌دانند. از این رو، اگر سوره عنکبوت مدنی باشد دست‌کم محتمل خواهد بود که سوره روم نیز مدنی باشد و بر اساس تصریح حضرت علی علیه السلام، سوره عنکبوت مدنی است؛ زیرا آن حضرت در خطبه ۱۵۶ **نهج البلاغه** که در بصره ایراد نمودند، در پاسخ فردی که از آن حضرت درباره معنای فتنه مذکور در سوره عنکبوت سؤال کرد، حضرت در ضمن پاسخ، به پرسش و پاسخ‌های خود از نبی اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام نزول آیات ابتدایی سوره عنکبوت اشاره کردند و با یادآوری جنگ احد فرمودند: «پرسیدم: ای رسول خدا، مگر در روز احد، که گروهی از مسلمانان شهید شدند و شهادت نصیب من نشد و این مسئله من را نگران کرده بود، فرمودید: بشارت باد تو را که شهادت در انتظار توست؟ پیامبر فرمودند: آری» (نهج البلاغه، ص ۲۹۰).

بر اساس این روایت، سوره عنکبوت پس از جنگ احد نازل شده است. بنابراین، سوره عنکبوت مدنی است و به سبب ارتباط معنوی میان این دو سوره، سوره روم نیز مدنی به شمار می‌آید. علاوه بر این، بین ابتدای سوره روم با انتهای سوره عنکبوت ارتباط و پیوستگی معنوی وجود دارد (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۸ ص ۴۵۹) و وجود «الم» در هر دو سوره نیز می‌تواند مؤید پیوستگی معنوی این دو سوره و در نتیجه، اثبات‌کننده ادعای مدنی بودن آن دو باشد.

ب. آیه ۳۹ سوره روم درباره «ربا» است که با مکی بودن این سوره چندان سازگاری ندارد.

ج. مطابق روایتی که منقول از امام محمد باقر^ع است و در *الکافی* نقل شده، شأن نزول این آیات را پس از هجرت می‌دانند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۶۹) که در بخش قرائت سوم از این آیه، این روایت را ذکر خواهیم کرد.

۳. نقد و بررسی شواهد مدنی بودن سوره

در زمینه تعیین ترتیب نزول سوره‌های قرآن، دو روش معمول وجود دارد: یکی قراین اجتهادی؛ مانند محتوای سوره، مخاطب و وجود «یا ایها الناس» که نشانه مکی بودن و «یا ایها الذین آمنوا» که نشان مدنی بودن (سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۶۸-۷۹) است؛ و دیگری اتکا به روایات.

به سبب کلیت نداشتن قراین اجتهادی درباره همه سوره‌ها و آیات قرآن و نیز فقدان آن در برخی آیات قرآن، نمی‌توان براساس آن، ترتیب نزول سوره‌ها و آیات مکی و مدنی را به طور دقیق شناسایی کرد.

روایاتی هم که در برخی کتب تاریخی، روایی یا علوم قرآنی در باب ترتیب نزول سوره‌ها وارد شده، از نظر سند دارای اختلاف است. برخی روایات بدون سند نقل شده‌اند. شهرستانی در تفسیرش پنج روایت به ترتیب از مقاتل بن سلیمان، امیر مؤمنان^ع، ابن عباس، حسن بن واقد مروزی و امام صادق^ع بدون سند ذکر می‌کند (۱۴۰۷ق، ص ۱۲۸)، و نیز زرکشی یک روایت بدون سند نقل می‌کند (۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۴۹). روایاتی هم که با سند نقل شده، علاوه بر اینکه خبر واحدند - بجز یک روایت که در مقدمه کتاب *المبانی* آمده (ابن عطیه، ۱۳۹۲ص ۱۳-۱۵) - هیچ کدام به پیامبر^ص اتصال ندارند و روایت یاد شده نیز به سبب ناشناخته بودن مؤلف کتاب مزبور قابل اعتماد نیست. بقیه روایات از صحابه یا تابعان نقل شده‌اند و معلوم نیست اجتهاد از سوی راویان بوده یا از کسی نقل کرده است.

از نظر متن نیز در بیان تعداد سوره‌های مکی و مدنی اختلاف نظر وجود دارد. شیخ طبرسی ۱۱۰ سوره ذکر می‌کند که ۸۵ سوره مکی و ۲۵ سوره مدنی است (طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۶۱۳). سیوطی به نقل از *ابوالحسن صفار*، ۲۰ سوره را به اتفاق مدنی و ۱۲ سوره را اختلافی و بقیه سوره‌ها را به اتفاق مکی دانسته است (سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۴۴). نیز در تقدم و تأخر سوره‌ها، اتفاق نظر ندارند. برخی روایات سوره‌هایی را مکی به حساب آورده، برخی روایات دیگر آنها را مدنی قلمداد کرده‌اند.

مشکل دیگر در رابطه با ترتیب نزول آیات یک سوره است؛ زیرا همه سوره‌های قرآن به صورت پیوسته نازل نمی‌شد؛ گاه اتفاق می‌افتاد که شماری از آیات یک سوره نازل می‌شد، سپس آیاتی از سوره دیگر نازل می‌شد و آن‌گاه دنباله آیات سوره قبلی فرود می‌آمد و به دستور پیامبر، در ادامه سوره پیشین قرار می‌گرفت. بنابراین، در صورتی می‌توان به روایات ترتیب نزول سوره‌های قرآن اعتماد کرد که بدانیم همه سوره به صورت یکجا نازل شده است و در آن آیات استثنا وجود ندارد.

ناگفته نماند که در صورت کثرت روایات ترتیب نزول و وجود موارد مشترک فراوان میان آنها، اطمینان نسبی حاصل می‌شود؛ چنان‌که تعدادی از قرآن‌پژوهان بر آنها اعتماد کرده‌اند. حداقل اینکه بر مشترکات میان آنها می‌توان تأکید کرد.

گرچه قراین اجتهادی در همه سوره‌ها کلیت نداشته و قابل اعتماد نیست و روایات ترتیب نزول سور قرآن نیز از نظر سند و متن، از اعتبار چندانی برخوردار نیست ولی با تجمیع دو روش، اطمینان نسبی حاصل می‌شود که سوره عنکبوت و روم در مکه معظمه نازل شده است.

محتوای هر دو سوره تناسب بیشتری با فضای مکه دارد؛ زیرا بیش از همه چیز، از مسئله «مبدأ» و «معاد» بحث می‌کند. دوران مکه دوران آموزشی اعتقادات اصیل اسلامی، توحید و مبارزه با شرک، و توجه به معاد و دادگاه رستاخیز بود، و در لابه‌لای این مباحث، مطالب دیگری در ارتباط با آنها نیز مطرح شده است (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۵۵)؛ چنان‌که علامه طباطبایی نیز پس از بررسی محتوای آیات سوره عنکبوت، به ویژه آیات نخست این سوره و غرض آن، به مکی بودن سوره حکم نموده (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۹۹) و به سخن کسانی که سوره یاد شده را مدنی دانسته‌اند، پاسخ داده است (همان، ص ۱۱۰).

با بررسی روایات ترتیب نزول میان سوره‌های قرآن، معلوم شد همه روایات به اتفاق، سوره روم را مکی دانسته‌اند (ابن ندیم، ۱۹۹۷، ص ۴۲؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۶۱۳؛ ص ۶۲-۶۴)، گرچه در این بین، ممکن است آیاتی نیز مدنی باشند و سخن امیرمؤمنان^ع می‌تواند ناظر به آیه‌ای باشد که در مدینه نازل شده است؛ چنان‌که علامه طباطبایی درباره آیه ۳۹ سوره روم می‌نویسد: «این آیه و آیه ماقبل آن شباهت بیشتری به مدنیات دارد تا مکیات» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۱۸۵). به هر حال، مدنی بودن یک یا چند آیه از یک سوره نمی‌تواند دلیل قابل قبولی برای مدنی بودن کل آن سوره باشد.

اما نسبت به روایت منقول از امام محمدباقر^ع - چنان‌که پس از این می‌آید - درباره تأویل آیه است و نمی‌تواند اثبات‌کننده مدنی بودن سوره باشد.

با توجه به مطالب پیش گفته و اینکه هیچ نقل تاریخی، که نشان دهد این آیات مربوط به جنگ موته و فتح روم در زمان عمر است، در دست نداریم. همچنین با عنایت به اهتمام مسلمانان به قرآن، به ویژه در زمانی که قرآن دست به پیش‌گویی زده و مسئله از حساسیت ویژه‌ای برخوردار بوده است، پذیرفتن این تفسیر کمی بعید به نظر می‌رسد. از این رو، قائلان به این تفسیر باید به این سؤال پاسخ دهند که چرا در تاریخ، نقلی مبنی بر دیدگاه آنان وجود ندارد؟

در عین حال، این قرائت در صورت تأیید، دارای مؤیداتی نیز هست؛ زیرا تطبیق تاریخی ظاهر آیه به راحتی صورت می‌گیرد و با متن آیات هماهنگی بهتری دارد؛ یعنی هم دقیقاً مشخص است که مراد از غلبه کردن و مغلوب شدن رومیان چه زمانی است؛ یعنی جنگ موته که در سال ۸ هـ واقع شد (واقدی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۹۷)، و هم شکست رومیان توسط مسلمانان دقیقاً روشن است که با گشودن بیت‌المقدس در رجب سال ۱۶ هـ توسط عمر صورت گرفت، و هم اینکه وعده خدا و همچنین شادی مؤمنان توجیه بهتری پیدا می‌کند؛ یعنی شادی مؤمنان به خاطر پیروزی خودشان است، نه پیروزی قومی دیگر.

قرائت روایت «کافی» و «تفسیر قمی»

در کتاب شریف *الکافی* و همچنین در *تفسیر قمی* (با اندکی اختلاف)، روایتی از امام باقر^ع نقل شده که در آن، از امام درباره این آیات سوال شده است:

۱. متن روایت

متن روایت بر اساس *تفسیر قمی* چنین است:

إِنَّهُ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ^ع، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ «الْمُغْلِبَتِ الرُّومُ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ»، قَالَ: يَا أَبَا عُبَيْدَةَ، إِنَّ لِهَذَا تَأْوِيلًا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ - وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنَ الْأُمَّةِ^ع إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ^ص لَمَّا هَاجَرَ إِلَى الْمَدِينَةِ وَقَدْ ظَهَرَ الْإِسْلَامُ كَتَبَ إِلَيَّ مَلِكِ الرُّومِ كِتَابًا وَبَعَثَ إِلَيْهِ رَسُولًا يَدْعُوهُ إِلَى الْإِسْلَامِ وَكَتَبَ إِلَيَّ مَلِكِ فَارِسَ كِتَابًا وَبَعَثَ إِلَيْهِ رَسُولًا يَدْعُوهُ إِلَى الْإِسْلَامِ. فَأَمَّا مَلِكِ الرُّومِ، فَإِنَّهُ عَظَّمَ كِتَابَ رَسُولِ اللَّهِ^ص وَأَكْرَمَ رَسُولَهُ؛ وَأَمَّا مَلِكِ فَارِسَ فَإِنَّهُ مَزَقَ كِتَابَهُ وَاسْتَخَفَّ بِرَسُولِ اللَّهِ^ص. وَكَانَ مَلِكِ فَارِسَ يُقَاتِلُ يَوْمَئِذٍ مَلِكِ الرُّومِ وَكَانَ الْمُسْلِمُونَ يَهْوُونَ أَنْ يُغْلِبَ مَلِكِ الرُّومِ مَلِكِ فَارِسَ، وَكَانُوا لِنَاجِيَةِ مَلِكِ الرُّومِ أَرْجَى مِنْهُمْ لِمَلِكِ فَارِسَ. فَلَمَّا غَلَبَ مَلِكِ فَارِسَ مَلِكِ الرُّومِ بَكَى لِذَلِكَ الْمُسْلِمُونَ وَاعْتَمُوا. فَانزَلَ اللَّهُ «الْمُغْلِبَتِ الرُّومُ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ» بِعَنِي: غَلَبَتْهَا فَارِسٌ فِي أَدْنَى

الْأَرْضِ وَهِيَ السَّمَاوَاتُ وَمَا حَوْلَهَا «ثُمَّ قَالَ وَفَارِسُ مِنْ بَعْدِ غَلْبِهِمُ الرُّومُ سَيُعْلَبُونَ فِي بَضْعِ سِنِينَ. وَقَوْلُهُ: لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ أَنْ يَأْمُرَ وَمِنْ بَعْدِهِ أَنْ يَقْضِيَ بِمَا يَشَاءُ وَقَوْلُهُ: وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ قُلْتُ: أَلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ: فِي بَضْعِ سِنِينَ وَقَدْ مَضَى لِلْمُسْلِمِينَ سِنُونَ كَثِيرَةٌ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَفِي إِمَارَةِ أَبِي بَكْرٍ وَإِنَّمَا غَلَبَتِ الْمُؤْمِنُونَ فَارِسَ فِي إِمَارَةِ عُمَرَ؟ فَقَالَ: «أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّ لِهَذَا تَأْوِيلًا وَتَفْسِيرًا. وَالْقُرْآنُ يَا أَبَاعَبِيدَةَ نَاسِخٌ وَمَنْسُوخٌ، أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَهُ: «لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدِهِ» يَعْنِي: إِلَيْهِ الْمَشِيئَةُ فِي الْقَوْلِ أَنْ يُؤَخَّرَ مَا قَدَّمَ- وَيُقَدِّمُ مَا أَخَّرَ إِلَى يَوْمٍ يَحْتَمِ الْقَضَاءُ- بِتَرْوُلِ النَّصْرِ فِيهِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَذَلِكَ قَوْلُهُ: يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۵۲).

۲. قرائت مربوط به روایت

علامه مجلسی ذیل این روایت پس از نقل کلام بیضاوی درباره قرائت غیر مشهور، می نویسد: قول امام علیه السلام که می فرماید: «غلبتها فارس» دو احتمال دارد:

۱. واژه «غلب» در سخن امام، «غَلَبَتْهَا فَارِسُ» را مصدر دانسته و آن را اضافه به مفعول بدانیم؛ یعنی شکست روم از فارس، و یا آن را فعل ماضی معلوم بدانیم و «فارس» فاعل آن باشد؛ یعنی «فارس بر روم غلبه کرد». طبق این احتمال، دو فعل «غَلَبَتْ» و «سَيُعْلَبُونَ» هر دو مجهول است و قرائتی شکل می گیرد که ترکیبی از دو قرائت مشهور و غیر مشهور می شود و این گونه معنا می شود که روم از فارس شکست خورد و آنها (فارس) پس از شکست دادن رومیان از دست مسلمانان شکست خواهند خورد. طبق فرموده علامه مجلسی، این قرائت مرکب از دو قرائت مشهور و غیر مشهور است که از کسی نقل نشده، ولی هیچ بعدی ندارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۲۰۸). مرحوم فیض کاشانی نیز همین برداشت را نموده و فرموده است: طبق این دو روایت قرائت آیه برای هر دو فعل «غَلَبَتْ» و «سَيُعْلَبُونَ» به شکل مجهولی خواهد بود (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۲۶)، گرچه به نظر می رسد که این احتمال خالی از تکلف نباشد.

۲. اضافه مصدر «غلب» به فاعل و فارس مفعول آن باشد و فعل «غَلَبَتْ» در آیه، به صورت معلوم، و «سَيُعْلَبُونَ» به صورت مجهول خوانده شود که در این صورت، آیه شریفه به سه واقعه اشاره دارد: اول. غلبه روم بر فارس در عبارت «غَلَبَتْ الرُّومُ»؛ دوم. غلبه فارس بر روم در عبارت «و هم من بعد غلبهم» ضمیر هم به فارس برمی گردد (به قرینه مقام و اضافه مصدر «غلبهم» به فاعل)؛ و سوم شکست فارس از دست مسلمانان طبق عبارت «سَيُعْلَبُونَ» که مجهول قرائت می شود. البته طبق فرموده ایشان، این قرائت نیز نیازمند تکلف است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۲۰۸؛ ج ۴، ص ۱۰۱).

به هر تقدیر، طبق این روایت، باید این آیات را مدنی دانست؛ زیرا در متن روایت، به صراحت نزول این آیات مربوط به پس از هجرت دانسته شده است. همچنین قرائت آن را، چه مطابق قول غیر مشهور بدانیم و چه آن را قرائتی مجزا بدانیم ما را با این چالش رو به رو می‌کند که پیروزی مسلمانان در بضع سنین صورت نگرفته که در نگاه اول، مخالف آیه است.

۳. بررسی سندی دو روایت

الف. بررسی سند روایت «الکافی»: این روایت در کتاب *الروضه من الکافی* به صورت معلّق آمده (چنانچه شروع سند حدیث بعدی در یک کتاب مانند حدیث قبلی باشد، از ذکر ابتدای سند خودداری می‌شود که در اصطلاح به آن تعلیق می‌گویند)، ولی سند کامل آن با مراجعه به حدیث قبلی چنین است: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْعِدَّةُ عَنْ سَهْلِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عُيَيْدَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع)» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۶۹).

چنان‌که مشاهده می‌شود، روایت دارای دو سند است؛ در یکی از دو سند، وجود سهل بن زیاد ممکن است موجب خدشه در سند باشد؛ زیرا او از شخصیت‌هایی است که دربارهٔ تقه بودن یا نبودن او اختلاف نظر وجود دارد. ولی به سبب اینکه وی تنها مسیر کلینی به ابن‌محبوب نبوده، سند دیگری شکل می‌گیرد که به صحت و قابل اعتماد بودن روایت منجر می‌شود.

ب. بررسی سند روایت تفسیر قمی: سند تفسیر قمی نیز چنین است: «فَأِنَّهُ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ (ابن‌محبوب) عَنْ جَمِيلِ بْنِ أَبِي عُيَيْدَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۵۲).

دربارهٔ سند این روایت، هیچ خدشه‌ای وارد نیست، جز اینکه دربارهٔ پدر علی بن ابراهیم توثیق خاصی نداریم و ابن‌ابی‌عمیر هم نسخه بدل دارد. ولی چون هر دو تقه‌اند، مشکلی در سند ایجاد نمی‌کند و روایت به لحاظ سندی، بدون اشکال است.

با این حال، در میان محققان دربارهٔ انتساب کتاب *تفسیر قمی* به علی بن ابراهیم قمی اختلاف نظرهایی وجود دارد (ر.ک: پوران میرزایی، پژوهشی در تفسیر قمی، ص ۱۷۹). بدین‌روی با توجه به نبود اطمینان از انتساب کتاب به نویسنده، اعتماد به این روایت کار آسانی نیست، مگر اینکه این روایت با این سند در کتب حدیثی دیگر آمده باشد که در این صورت، قابل اعتنا خواهد بود و با بررسی صورت گرفته چنین روایتی مشاهده نشده است.

شایان ذکر است که در خصوص این آیات، روایات دیگری نیز در منابع شیعی یافت می‌شود

که البته هیچ‌یک به تفسیر مشهور اشاره‌ای ندارد. برای مثال، در برخی تفاسیر آمده است: حدثنا الحسن بن محمد بن جمهور القمی، عن أبيه، عن جعفر بن بشير الوشاء، عن ابن مسكان، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: سألته عن تفسير: «الم غُلِبَتِ الرُّومُ»، قال: «هم بنو امية، وإنما أنزلها الله عز وجل: الم غُلِبَتِ الرُّومُ بنو امية في أدنى الأرض وهم من بعد غلبهم سيغلبون في بضع سنين لله الأمر من قبل ومن بعد ويومئذ يفرح المؤمنون بنصر الله عند قيام القائم» (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۳۳۵). بر اساس این روایت، تأویل آیه درباره بنی امیه است و بیان می‌دارد که آنان بر ملک و خلافت غالب شدند، ولی هنگام قیام قائم مغلوب خواهند شد.

۴. رویکردها نسبت به روایت «الکافی» و «تفسیر قمی»

در مقابل این روایات، موضع‌گیری‌های گوناگونی شده است. برخی این روایات را به سبب محتوا، کاملاً رد می‌کنند؛ و گروهی با پذیرش روایت، آن را حمل بر تأویل یا ذوجوه بودن قرآن می‌کنند.

الف. رد روایت: مرحوم شعرانی در حاشیه خود بر شرح ملاصالح مازندرانی بر کتاب *الکافی*، این روایت را به علل گوناگون رد می‌کند. ایشان معتقد است: شکی نیست که نزول سوره روم و خبر غلبه آنان بر فارس در مکه و پیش از هجرت نازل شده است. گرچه این روایت از نظر سند صحیح است، اما این امر منافی کذب مضمون روایت نیست. به عقیده ایشان، آنچه موجب تعجب راوی شده و خود را در تأویل معنای آیه به تکلف انداخته، ناباوری از یاری خداوند به روم بوده و این امر را به عنوان گواه تأیید و رضایت خداوند از آنها قلمداد کرده است. از این رو، برای خلاصی از این مشکل، آیه را بر غلبه مسلمانان بر فارس حمل کرده است (مازندرانی، ۱۳۸۲ق، ج ۱۲، ص ۳۵۸).

ب. پذیرش و توجیه روایت: در مقابل، کسانی هستند که این روایت را پذیرفته و برای توجیه این روایت، به شیوه‌های گوناگون تمسک جسته‌اند.

سلطان محمد گنابادی در تفسیر *بیان السعاده*، قرآن را ذوجوه دانسته، معتقد است که قرائات مختلف می‌تواند هر یک در جای خود صحیح باشد. او می‌نویسد:

بدان که قرآن بر حسب معانی اش، دارای وجوهی است. بر حسب الفاظ و قرائاتش دارای وجوهی است. جایز است جمیع وجوه قرآن مقصود باشد و جمیع قرائات آن نازل شده باشد، و بیشتر اوقات، معانی و وجوه اختلاف پیدا می‌کنند؛ آنچنان اختلاف کاملی که منجر به اراده دو ضد از لفظ بر حسب حقایق و مجازات و تعریضات و کنایه‌هایش می‌شود. بنابراین، تفسیرهای مختلفی که به اعتبار قرائت‌های سه‌گانه از ائمه علیهم‌السلام وارد شده صحیح می‌گردد و صحیح می‌شود تفسیر «روم» به «بنی امیه» بنابر تشبیه ایشان به اهل

روم در کثرت، یا در اهتمام به دنیا و اعتبارات آن، یا در گرفتن مذهب مجرد عادت و ملت، یا در اختلاف مذاهب و کثرت آنها (گنابادی، ۱۳۷۲، ج ۱۱، ص ۲۹۵).

اما دیگر کسانی که این روایت را پذیرفته‌اند تلاش کرده‌اند تا این روایت را با تمسک به تفکیک میان ظاهر و تاویل آیه حل کنند.

صاحب *تفسیر الفرقان* پس از ذکر آیه «يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بَنَصْرِ اللَّهِ» می‌نویسد: «بعد از رسول اکرم ﷺ در جنگ میان مسلمانان و فارس، این نصرت حاصل شد و مسلمین بر آنها غالب شدند و این تاویل آیه نصر است». سپس روایت *الکافی* را در پاورقی ذکر می‌کند (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۲۳، ص ۱۱۷).

کمرهای در ترجمه *الروضه من الکافی*، بعد از نقل کلام مرحوم مجلسی می‌نویسد:

شرحی که امام ﷺ برای آیه داده است در تاریخ و تفسیر، کم و بیش معروف و مشهور است و اینکه امام ﷺ می‌فرماید: تاویلی دارد که جز خدا و رسول و اهل بیت نمی‌دانند، دو وجه دارد:

۱. مقصود این باشد که هنگام نزول آیه، که این پیش‌گویی از جانب خداوند در قرآن نازل شد، تاویل و آینده آن بر همه مردم جز خدا و رسول و اهل بیت مجهول بود؛ ولی پس از آنکه مدتی گذشت و... رومیان پس از چند سال بر فارسین غلبه کردند و هم مسلمین در آینده نزدیکی بر دولت ساسانی به آن عظمت و وسعت غلبه کرد، مفهوم آیه بر همه مردم روشن شد و جمله «ان لهذا تاویلاً لا یعلمه الخ» مشعر به این معناست؛ زیرا تاویل به معنی سرانجام و آینده است...

۲. مقصود از «تاویلی که جز خدا و رسول ندانند»، دو خصوصیت مذکوره در خبر است که در تفاسیر مشهور نیست و از ظاهر آیه هم استفاده نمی‌شود و آن دو:

الف. معنی «سیغلوبون» این باشد که فارس در فاصله بین سه تا نه سال مغلوب مسلمانان می‌شوند، با اینکه ظاهر آیه این است که فارس بعد از این مدت مغلوب روم می‌شوند.

ب. تفسیر جمله «لِلَّهِ الْأَثَرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ» به اینکه موعد بضع سنین قابل تقدیم و تأخیر است و حتمی نیست، با اینکه ظاهرش این است که کار با خداست پیش از مغلوب شدن روم و بعد از آن (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۳۶).

همچنین آیت‌الله جوادی با ذکر روایت و استناد به کلام امام ﷺ در ابتدای روایت که فرمودند برای این آیه تاویلی است، چنین می‌نویسد:

حضرت فرمودند: «این آیه یک تفسیر دارد و یک تاویل» معلوم می‌شود بخش قابل توجهی از فرمایش حضرت ناظر به تاویل آیه است، نه تفسیر. فرمودند: «یا اباعبیده، ان لهذا تاویلاً لا یعلمه الا الله والراسخون فی العلم من آل محمد ﷺ». از اینجا معلوم می‌شود که مستفاد از ظاهر آیه نیست؛ چون اگر ظاهر آیه بود که خیلی از مفسران می‌فهمیدند. این مربوط به باطن آیه است و تاویل آیه است که حقیقتش نزد اهل بیت ﷺ است (جوادی آملی، ۱۳۹۱).

ج. بررسی نظر قائلان به تأویلی بودن روایت: توجیه این روایت با تمسک به تاویل، گرچه توجیه مناسبی است و با متن روایت نیز سازگاری دارد، اما با چالش‌هایی نیز روبه‌روست. در این روایت، به صراحت آمده که این آیات مدنی هستند. در نتیجه، لازم می‌آید که تفسیر مشهور، که مبتنی بر مکی بودن آیات است، رد شود.

در این صورت، قائلان به این رویکرد، یا باید بتوانند به شیوه‌ای دیگر - مثلاً با گنجاندن زمان نزول تحت عنوان تأویل - این مسئله را حل کنند، به این صورت که ثابت کنند با تمسک به تأویل، می‌توان زمان نزول آیه را تغییر داد و گفت: از نظر ظاهر آیه، زمان نزول مکی است؛ و از نظر تأویل، مدنی است، و یا دست از تفسیر مشهور بکشند و تفسیر غیر مشهور - یعنی جنگ موته و فتح روم در دوران عمر - را به عنوان تفسیر آیه و روایت را به عنوان تأویل آیه بپذیرند. البته پذیرش قول غیر مشهور نیز زمانی امکان‌پذیر خواهد که بتوان ثابت کرد قرائت مشهور مربوط به ظاهر و قرائت غیر مشهور مربوط به تاویل آیه است و دایره تاویل قرائت شاذ را نیز دربر می‌گیرد. در این صورت، می‌توان این روایت را به عنوان مؤیدی برای قرائت و تفسیر غیر مشهور در نظر گرفت و بین روایت و تفسیر غیر مشهور به واسطه تفکیک بین ظاهر و تذویل آیه جمع بست.

به هر حال، حتی اگر فرض کنیم که تمسک به تأویل نیز نمی‌تواند میان تفسیر روایت و دیگر تفاسیر آشتی برقرار کند و روایت را به خاطر محتوا رد نکنیم باز هم متضمن پیش‌گویی پیروزی مسلمانان بر رومیان است که امری قابل پیش‌بینی، به ویژه پس از شکست از آنها در جنگ موته نبوده، هر چند میزان مدت تحقق آن کمی بیش از نه سال باشد. بخصوص آنکه حضرت به وجود ناسخ و منسوخ در قرآن اشاره کرده و مقصود از آن امکان مقدم و مؤخر شدن برخی از مقدرات الهی است. پیداست که اصطلاح «نسخ» در این روایت، به معنایی اعم از نسخ احکام به کار رفته است؛ یعنی امری که مقدر شده بود کمتر از ده سال واقع شود در زمانی طولانی‌تر محقق خواهد شد و یا گاهی بعکس، در تحقق مقدری تعجیل شده، زودتر اتفاق افتد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. یکی وجوه اعجاز قرآن، «پیش‌گویی‌های تاریخی» آن است و یکی از معروف‌ترین مثال‌های آن آیات ابتدایی سوره روم است. با این حال، آیات یاد شده سه نوع قرائت (مشهور، غیر مشهور و روایت کتاب الکافی) دارد. قرائت مشهور قرائت قابل قبولی برای این آیه است و با وقایع تاریخی

سازگاری دارد، و اشکالاتی که بر تفسیر این قرائت گرفته شده، وارد نیست و نمی‌تواند آن را از اعتبار ساقط کند.

۲. گرچه دلایل گوناگونی وجود دارد که پذیرش قرائت غیرمشهور را با سختی مواجه می‌کند؛ اما با این حال، این قرائت نیز از مؤیدات خوبی برخوردار است که موجب می‌شود به راحتی نتوان آن را رد کرد؛ زیرا این قرائت تطابق دقیق‌تری با تاریخ دارد و به راحتی می‌توان زمان دقیق جنگ‌ها را تعیین کرد. برخی روایات شیعی هم چنین قرائتی را تأیید می‌کند.

۳. روایت منسوب به امام باقر^ع که در کتاب **الکافی** آمده به لحاظ سندی قابل اعتماد است و با حمل قرائت منسوب به روایت به تأویل، می‌توان بین دیدگاه مشهور به عنوان ظاهر آیه و این روایت به عنوان تأویل آیه تا حدی جمع کرد.

۴. از یک سو، هر یک از قرائات سه‌گانه مطرح شده برای این آیات در بردارنده یک پیش‌گویی تاریخی از سوی قرآن است، و از دیگر سو، هیچ نقل تاریخی - هر چند ضعیف - در دست نیست که نشان دهد مشرکان و یا مخالفان دین، که بعدها ظهور کردند و بیشترین انگیزه را در مبارزه با قرآن داشتند و برای مبارزه با آن به کوچک‌ترین دستاویزی تمسک می‌جستند، ادعای عدم تحقق این پیش‌گویی قرآن را کرده باشند. از این رو، حتی در فرضی که این سه دسته تفسیر با همدیگر قابل جمع نباشند، باز هم هر یک متضمن یک پیش‌گویی است که به وقوع پیوسته و با توجه به اسباب عادی امکان تحقق آن نبوده که خود دلیل قاطعی بر اثبات اعجاز قرآن است.

منابع

سیدرضی، *نهج البلاغه*، ۱۴۱۴ق، قم، هجرت.

ابن عاشور، محمد بن طاهر، بی‌تا، *التحریر و التنویر*، بی‌جا، مؤسسه التاريخ.

ابن ندیم، محمد بن اسحاق، ۱۹۹۷م، *الفهرست*، بیروت، دار المعرفه.

ایبازی، ابراهیم، ۱۴۰۵ق، *الموسوعة القرآنیة*، بی‌جا، مؤسسة سجل العرب.

احمدی، احمد، ۱۳۷۷، «تفسیر دیگری از آیات اول سوره روم»، *پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، ش ۳، ص ۸-۱۰ و ۶۱-۶۲.

بحرانی، سیدهاشم، ۱۴۱۶ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بعثت.

بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

البیلی، احمد، بی‌تا، *الاختلاف بین القراءات*، بیروت، دار الجیل.

پرویز، عباس، ۱۳۴۳، *تاریخ دو هزار و پانصد ساله ایران*، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، *تفسیر سوره روم*، نسخه اینترنتی، قابل دسترسی در: <http://taqir.eshia.ir>

حسینی استرآبادی، سیدشرف‌الدین، ۱۴۰۹ق، *تأویل الآیات الظاهره*، قم، جامعه مدرسین.

خان، وحیدالدین، ۱۳۸۶، *اسلام به مبارزه می‌طلبد*، ترجمه نذیر احمد اسلامی، زاهدان، سنت احمد.

راغب اصفهانی، حسین، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دار العلم.

زرکشی، بدرالدین محمد، ۱۴۰۸ق، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالفکر.

سمرقندی، نصر بن محمد، ۱۴۱۶ق، *بحر العلوم*، بیروت، دار الفکر.

سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ق، *الدر المثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

—، بی‌تا، *الاتقان فی علوم القرآن*، بی‌جا، منشورات الشریف رضی.

صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، فرهنگ اسلامی.

طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۹، *قرآن در اسلام*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

—، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه گروه مترجمان، تهران، فراهانی.

طبری آملی صغیر، محمد بن جریر، ۱۴۲۷ق، *نوادر المعجزات فی مناقب الأئمة الهداة*، قم، دلیل ما.

طوسی، محمد بن حسن، بی‌تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

فراء ابوزکریا، یحیی بن زیاد، بی‌تا، *معانی القرآن*، مصر، دار المصریه للتألیف و الترجمة.

فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۱۵ق، *تفسیر الصافی*، تهران، مکتبه الصدر.

قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، *تفسیر القمی*، قم، دار الکتاب.

کریستن سن، آرتور، ۱۳۳۸، *ایران در زمان ساسانیان* (ویرایش چهارم)، ترجمه رشید یاسمی، تهران، دنیای کتاب.

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *کافی*، تهران، دار الکتب الإسلامية.

گنابادی، سلطان محمد، ۱۳۷۲، *بیان السعادة فی مقامات العبادة*، ترجمه رضاخانی و حشمت الله ریاضی، تهران، دانشگاه پیام نور.

مازندرانی، محمد صالح، ۱۳۸۲ق، *شرح الکافی - الأصول و الروضة*، تهران، المکتبه الإسلامية.

مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی